

نقد‌ها و بررسی‌ها



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

موضوع:

عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ پیامبران

بسم الله الرحمن الرحيم

نقد

نویسنده: علی راضی

تاریخ: ۱۳۹۴/۸/۱۶

از ص ۲۱۰ تا ص ۲۱۳ کتاب «بازگشت به اسلام» به بحث عصمت پیامبران پرداخته شده است. شیعه‌ی امامیه، پیامبران را از هر نوع خطا و گناه، چه کبیره و چه صغیره، عمدتاً و سهواً، قبل و بعد از پیامبری مصون می‌داند و موارد اشاره شده در مورد گناه یا طلب استغفار آن بزرگواران را از نوع ترک اولی می‌داند. نظر علامه منصور هاشمی خراسانی در مورد این عقیده چیست؟

بررسی

تاریخ: ۱۳۹۴/۸/۲۰

هیچ کس جز خداوند از هر گونه سهو، خطا و نسیان منزّه نیست و با این وصف، منزّه شمردن پیامبران از آن، غلو شمرده می‌شود؛ چراکه پیامبران خدایان نیستند، بلکه بشر هستند و بشر هر اندازه مؤمن و صالح باشد، به اقتضای ضعف ذاتی خود، از سهو، خطا و نسیان مصون نیست؛ چنانکه خداوند فرموده است: «قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ»؛ «پیامبران‌شان به آنان گفتند: ما جز بشری مانند شما نیستیم» و فرموده است: «وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا»؛ «و انسان ضعیف آفریده شد». از این رو، کتاب خداوند با صراحت از سهو، خطا و نسیان پیامبران خبر داده و پیداست که از این کار مقصودی داشته و آن همانا جلوگیری از تنزیه پیامبران مانند تنزیه خداوند بوده است؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ عَنْ عِصْمَةِ الْأَنْبِيَاءِ وَمَا فِي الْقُرْآنِ مِنْ نَفْيِهَا، فَقَالَ: إِنَّ الْقُرْآنَ لَا يُزَكِّي عَلَى اللَّهِ أَحَدًا، فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ، وَلَا تُزَكُّوا عَلَى اللَّهِ أَحَدًا»؛ «از منصور درباره‌ی عصمت پیامبران و آیاتی در قرآن که به نفی آن پرداخته است پرسیدم، پس فرمود:

۱. ابراهیم / ۱۱

۲. النساء / ۲۸

هرآینه قرآن کسی را بر خداوند پاک نشمرده است، پس خودتان را پاک نشمارید و کسی را بر خداوند پاک نشمارید».

از اینجا دانسته می‌شود تأویل آیاتی در قرآن که با صراحت از سهو، خطا و نسیان پیامبران خبر داده، از مصادیق بارز تفسیر باطنی و تفسیر به رأی است که با حجّیت ظواهر قرآن منافات دارد.

البته سهو، خطا و نسیان، معصیت شمرده نمی‌شود؛ چراکه معصیت، تخلف از امر و نهی خداوند با قصد و التفات است، در حالی که در سهو، خطا و نسیان، قصد و التفاتی وجود ندارد و از این رو، مؤاخذه در ازای آن شایسته نیست؛ چنانکه فرموده است: «رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا»؛ «پروردگارا! ما را مؤاخذه نکن اگر فراموش کردیم یا خطا کردیم»؛ مانند فراموش کردن کارهای شخصی یا اشتباه کردن در کارهای مباح یا عجله کردن در کارهای جایز یا عاجز شدن از کارهای عادی یا بی‌خبر ماندن از چیزهای غیر ضروری یا قصور نمودن در کارهای غیر ارادی از قبیل خواب ماندن در اوقات بیداری که در کتاب شریف «بازگشت به اسلام»^۲ از باب احصای نمونه ذکر شده است. آری، پیامبران از سهو، خطا و نسیان در دریافت و ابلاغ وحی و نیز بقاء بر آن‌ها در اجرای وحی معصوم هستند؛ چراکه سهو، خطا و نسیان در دریافت و ابلاغ وحی، ناقض غرض خداوند از فرستادن آن‌هاست؛ چنانکه فرموده است: «سَنُقَرِّبُكَ فَلَا تَنْسَى ۚ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ»؛ «بر تو خواهیم خواند، پس فراموش نمی‌کنی، مگر چیزی را که خداوند بخواهد» و سهو، خطا و نسیان در اجرای وحی، در نزدیک‌ترین زمان ممکن با یادآوری خداوند برطرف می‌شود؛ چنانکه فرموده است: «وَأَمَّا يُنْسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِی مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِینَ»؛ «و اگر شیطان از یادت برد پس از یادآوری با گروه ستمکاران ننشین» و فرموده است: «وَأَذْكُرْ رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَى أَنْ يَهْدِيَنَّ رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَذَا رَشَدًا»؛ «و پروردگارت را چون فراموش کردی به یاد آور و بگو شاید پروردگارم مرا به چیزی نزدیک‌تر از این به هدایت رهنمون شود» و فرموده است: «قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا تُزِهْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا»؛ «(موسی) گفت: من را به خاطر چیزی که فراموش کردم مؤاخذه نکن و در کارم بر من سخت نگیر». از این رو، امکان سهو، خطا و نسیان پیامبران، مانع از اطمینان به آنان در اقوال و افعال‌شان نمی‌شود؛ چراکه اگر اقوال و افعال‌شان ناشی از سهو، خطا و نسیان آنان باشد، قطعاً خود پیش از وقت حاجت از آن خبر می‌دهند و در صورتی که خود از آن خبر ندهند، اقوال و افعال‌شان حجّت است.

۱. البقرة / ۲۸۶

۲. ص ۲۱۰

۳. الأعلی / ۶-۷

۴. الأنعام / ۶۸

۵. الکهف / ۲۴

۶. الکهف / ۷۳

تعلیقات

نقد‌ها و بررسی‌های فرعی

تاریخ: ۱۳۹۴/۸/۲۲

نویسنده: مسعود طاهری

نقد فرعی ۱

در ارتباط با پاسخ شما درباره‌ی عصمت پیامبران، سؤالی برای بنده ایجاد شد که سپاسگزار می‌شوم اگر مثل همیشه با بیان روشن و مستدل خود، توضیح بفرمایید: اگر سهو و خطا و نسیان پیامبران در اقوال و افعالشان همیشه ممکن باشد، چگونه می‌توان به اقوال و افعالشان اطمینان کرد؟! به علاوه، آیا این با وجوب اطاعت فوری از آن‌ها منافات ندارد؟! چون باید در هر مورد صبر کرد که آن‌ها اگر سهو و خطا و نسیانی دارند اصلاح کنند!

تاریخ: ۱۳۹۴/۸/۲۲

پاسخ به نقد فرعی ۱

اصل بر صحت اقوال و افعال پیامبران است و صدور سهو، خطا و نسیان از آنان اتفاقی نادر و استثنایی است و با این وصف، همه‌ی اقوال و افعال آنان صحیح دانسته می‌شود مگر قول یا فعلی که خود از عدم صحت آن خبر دهند؛ چراکه صحت یا عدم صحت اقوال و افعال، نوعاً از طریق پیامبران شناخته می‌شود و اقوال و افعال خود آنان نیز از این قاعده مستثنا نیست. وانگهی در صورتی که قول یا فعلی از آنان ناشی از سهو، خطا و نسیان باشد، قاعداً خود پیش از پیروی آن توسط دیگران، از عدم صحتش خبر می‌دهند؛ چراکه تأخیر بیان از محل حاجت قبیح است، ولی پیش از محل حاجت قبیح شمرده نمی‌شود و با این وصف، مانعی از اطاعت فوری پیامبران در مواردی که مقتضی اطاعت فوری است، وجود ندارد.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مخصوص رهبرای عظام
مجلس خبری رهبری



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مخصوص رهبرای عظام حفظ الله تعالی



صفحه نخست پایگاه

صفحه استاذ ارجمند

صفحه آگاهانه

صفحه پرسش و پاسخ

لینک مطلب

* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.